

# ایران

امید اصغر

**امید اصغر سمسارزاده** به **آینده‌ای روشن**

اصغر سمسارزاده بازیگر سینما، تلویزیون و برنامه‌های نمایشی رادیو از جمله «صبح جمعه با شما» با اشاره به شرایط سخت کشور عنوان کرد که باور دارد رهبر انقلاب با اقتدار مسیر پیشرفت و پیروزی را ادامه می دهند. این بازیگر پیشکسوت درباره نگاه خود به آینده کشور نیز گفت: «امیدوارم ایران عزیز با همدلی مردم و تلاش مسئولان مسیر پیشرفت و موفقیت را طی کند و شاهد روزهای بهتری برای این سرزمین باشیم.» او ابراز امیدواری کرد که ایران با اتحاد و همراهی مردم، از شرایط سخت عبور کرده و به سوی آینده‌ای روشن حرکت خواهد کرد. <sup>**ا مهر**</sup>



محیا دهقانی

**دلنوشته محیا دهقانی برای ایران**

محیا دهقانی، بازیگردر یادداشتی با اشاره به شهادت کودکان منیاب گفت که ایران همیشه ایران خواهد ماند. در بخشی از یادداشت این بازیگر آمده است: «مردم شریف ایران با اتحاد و یکپارچگی، (گذر از) موشک‌های به زمین خورده را همچون سیاشوش که از آتش پرید و گلستان شد رقم زدند.
او در بخش پایانی دلنوشته خود تأکید کرده که «دوستت دارم ایران ... و دشمنانت در برگ برگ تاریخ تا به امروز سرزوشتی تلخ به گد جااشتند. ایران همیشه ایران خواهد ماند.» <sup>**ایران**</sup>



محسن اسلام‌زاده

**محسن اسلام‌زاده، مستندساز جنگ در گفت‌وگو با «ایران»:**

# ایستاده‌ایم تا حقیقت قربانی نشود



محسن اسلام‌زاده، مستندساز جنگ در گفت‌وگو با «ایران»؛ در تصویر، او در حال مصاحبه با خبرنگار ایرانی است.

## گفت و گو نیلوفر ساسانی

گروه فرهنگی

در روزهایی که صدای انفجار و بوی باروت در هوای می‌پیچد، دوربین مستندسازان خاموش نمی‌شود. آنها میان آوار و اضطراب، بیشتر از هر چیز به دنبال آدم‌ها هستند؛ به دنبال چهره‌ها، روایت‌ها و لحظه‌هایی که نشان می‌دهد زندگی حتی در دل بحران هم جریان دارد. مستندساز در چنین موقعیتی فقط شاهد جنگ نیست، راوی تجربه انسان هاست؛ تجربه‌ای که اگر ثبت نشود، گف‌وگویی با «ایران» از نسبت دوربین با رنج در جنگ‌ها و تجاوزهای نظامی، مسئولیت روایت حقیقت در جنگ‌ها، جنگ روایت‌ها و محدودیت‌هایی می‌گوید که مستندسازان در میدان با آن روبه‌رو هستند.

### فراز از انفجار روایت انسان در دل جنگ

مواجهه دوربین و رنج انسان، نقطه شروع گفت‌وگوی ما با محسن اسلام‌زاده است. مستندساز که تجربه حضور در میداین بحران جنگ از جمله جنگ اخیر اسرائیل علیه لبنان و در نقطه صفر مرز این کشور را داشته و می‌گوید، مواجهه دوربین با جنگ اغلب با صحنه‌های دردناک همراه است؛ انفجارها، مرگ انسان‌ها و لحظه‌هایی که به‌طور طبیعی نگاه فیلمساز یا خبرنگار را به سمت خود می‌کشند. به گفته او، بسیاری از کسانی که برای فیلمسازی یا تهیه گزارش به چنین فضاهایی می‌روند، ناخواسته بیش از هر چیز تحت تأثیر همین تصاویر تلخ قرار می‌گیرند. با این حال اسلام‌زاده معتقد

است، «اگر قرار است از چنین موقعیت‌هایی فیلم ساخته شود، باید یک گام فراتر رفت و به لایه‌های عمیق‌تر روایت توجه کرد.» او در این باره می‌گوید: «وقتی می‌خواهیم از چنین موقعیت‌های درآوری فیلم بسازیم، لازم است یک قدم جلوتر برویم و به سراغ روایت‌های زیرمینی‌ترو و عمیق‌تر حرکت کنیم.» او تأکید می‌کند، تمرکز صرف بر محل اصابت بمب‌ها یا صحنه‌های انفجار، رویکردی سطحی است و آنچه می‌تواند روایت را معنادار کند، توجه به انسان و مواجهه او با جنگ است. به باور او برای رسیدن به چنین روایتی باید به آدم‌ها نزدیک شد؛ به کاراکترها، زندگی و قصه‌هایشان. اسلام‌زاده می‌گوید: «وقتی به آدم‌ها نزدیک می‌شویم، می‌بینیم هر کدام روایت و حرف خاص خودشان را دارند و به تعبیری قصه‌ای برای شنیدن.» به اعتقاد این مستندساز، روایت جنگ تنها به نمایش رنج محدود نمی‌شود و باید مقاومت انسان‌ها و دلایل این ایستادگی را نیز دربرگیرد؛ همان جایی که به گفته او «می‌توان حرف متفاوتی زد».

### مرز باریک حقیقت و فاجعه در روایت جنگ

جنگ فقط میدان نبرد نیست، میدان روایت هم هست. در چنین وضعی، پرسش از حدود

و مسئولیت مستندساز جدی می‌شود: آیا همه واقعیت جنگ قابل نمایش است؟ مرز ثبت حقیقت با بهره‌برداری از رنج کجاست؟ اگر تصویری واقعی باشد اما بتواند به وحشت عمومی یا سو‌استفاده رسانه‌ای منجر شود، آیا باید منتشر شود؟ و آیا ثبت صرفاً خشونت کشور را داشنه و می‌گوید، مواجهه دوربین با جنگ اغلب با صحنه‌های دردناک همراه است؛ انفجارها، مرگ انسان‌ها و لحظه‌هایی که به‌طور طبیعی نگاه فیلمساز یا خبرنگار را به سمت خود می‌کشند. به گفته او، بسیاری از کسانی که برای فیلمسازی یا تهیه گزارش به چنین فضاهایی می‌روند، ناخواسته بیش از هر چیز تحت تأثیر همین تصاویر تلخ قرار می‌گیرند. با این حال اسلام‌زاده معتقد

• **صاحب امتیاز:**

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیرمسئول:**

صادق حسین جابری انصاری

• **سردبیر:**

هادی خسروشاهین

• **مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران**

• **رئیس هیأت مدیره:** صادق حسین جابری انصاری

• **مدیرعامل:** علی متقیان

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰

• **پایامک:** ۴۵۱۲۱۳ • **روابط عمومی:** **صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر کستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام‌جم

• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• **پدربش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انشارات مؤسسه فرهنگی-مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

عیدالرحیم سعیدی‌راد

**«بی‌همه چیز»ها به روایت جلیل سامان**

جلیل سامان، کارگردان چهارگانه «زیرخاک» از کسانی نوشت که این روزها طرفدار دشمنان وطن هستند و «بی‌همه چیز» مناسب‌ترین واژه برای آنهاست. در بخشی از یادداشت او آمده است: «شاید باید برای این جماعت واژه تازه‌ای اختراع کرد. شاید فرهنگستان زبان روزی فکری برایش بکند. یک واژه‌ای بود که در پخش «زیرخاک» خیلی سانسورش می‌کردند. همکاران پخش می‌گفتند حذفش کن؛ خیلی سنگین است: «بی‌همه چیز». بله، شاید «بی‌همه‌چیز» مناسب‌ترین واژه برای کسانی باشد که دشمن را تحریک کردند تا به هموطنانشان حمله کند.» <sup>**ایران**</sup>



محسن اسلام‌زاده

**نیاز به بهبود شرایط رسانه‌ای در میدان نبرد**



برش

معمولاً در شرایط جنگی، مستندسازان با محدودیت‌های متعددی روبه‌رو هستند؛ از دشواری دسترسی به میدان‌های واقعی روایت گرفته تا محدودیت‌های زمانی و ملاحظات خبری که وجود دارد. مجموعه این عوامل پرشیوه کار مستندساز و نوع روایت او از واقعیت تأثیر می‌گذارد. محسن اسلام‌زاده مهم‌ترین محدودیت مستندسازان و خبرنگاران در شرایط بحران را نبود یک سازوکار روشن برای صدور مجوز می‌داند. به گفته او، «در وضعیت فعلی، مستندساز برای فعالیت ناچار است به روابط شخصی تکیه کند؛ خلأیی که در میدان خود را نشان می‌دهد.» او در این باره می‌گوید: «ما وقتی به محل حادثه می‌رویم نیروهای امدادی، انتظامی و خدماتی هرکدام لباس، کارت و هویت مشخص دارند، اما متأسفانه خبرنگار و مستندساز هنوز نشانه هویتی روشن و مجوز ندارند؛ مذاکرات بسیاری کردیم تا برای خبرنگاران و مستندسازانی که شناخته شده هستند، مجوزهای لازم فراهم شود.»

این مستندساز معتقد است: «از همان ابتدا باید نیروهای رسانه‌ای شناسایی و ثبت‌نام می‌شدند و مجوز رسمی دریافت می‌کردند.»

او می‌گوید: «بهتر بود یس از تجاوز ۱۲ روزه دشمن تمهیدات لازم اندیشیده می‌شد و خبرنگاران و فیلمسازان برای انعکاس واقعیت جنگ به جهان برای ندان ظلمی که بر کشور و مردم ما می‌رود آماده می‌شدند. برای جنگ باید گاورها و علائم شناخته شده به خبرنگاران جنگ داده شود و نیروهای حاضر در میدان توجه شوند که خبرنگار و فیلمساز و فیلمبردار در واقع بازوی رسانه‌ای جنگ است و در ابعادی دیگر برای دفاع از کشورش و برای نشان دادن حقیقت خونین و تلخ جنگ تحمیلی به جهان تلاش می‌کند. این مطالبه باید وجود داشته

### ضرورت مستندهای سریع در دل بحران

در شرایط امروز این پرسش مطرح است که مستندهای به‌روز چه نقشی می‌توانند در رسانه‌های عمومی داشته باشند؟ آیا وظیفه آنها صرفاً روایت واقعیت و آگاهی‌بخشی است یا باید به نمایش بحران‌ها، تقویت امید و شکل‌دهی به درک عمومی از رخدادها نیز بپردازند؟ در عین حال، میان مستندهایی که برای واکنش و مسائل روز ساخته می‌شوند یا آثاری که هدفشان ثبت حافظه تاریخی است چه تفاوتی وجود دارد و مستندساز تا چه اندازه باید به مخاطب جهانی و روایت آنچه در ایران می‌گذرد نیز فکر کند؟ محسن اسلام‌زاده معتقد است: «در شرایط امروز، به‌ویژه در بستر جنگ و بحران، مستندساز باید «هم‌روز» واکنش‌مند باشد.» به گفته او، «در چنین موقعیتی صرفاً تولید مستندهای بلندمدتی که ماه‌ها بعد نمایش شوند کافی نیست؛ هرچند این آثار برای حافظه تاریخی و ثبت روایت درست ضروری‌اند اما در لحظه‌ای که مخاطب داخلی و خارجی منتظر داده، تصویر و روایت سریع است، اولویت با مستندهای کوتاه، مستقیم و زودبازده است.» او در ادامه می‌افزاید: «در چنین نگاهی مستندساز حتی

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

محسن اسلام‌زاده

### مناجات روز بیست و ششم

### ای فرمانروای آسمان‌ها وزمین!

ما بندگان ناسیاس، نعمت‌هایت را عادت کرده‌ایم و شکر را تنها به واژه‌ای کوتاه فروگاسته‌ایم. روزها می‌گذرد و شب‌ها از پی هم می‌آیند، اما دل ما کمتر به تماشای عظمت تو می‌آیستد. ای خدای بیداری! چشم‌چانم را بسان کن تا نشانه‌هایت را در ساده‌ترین لحظه‌ها ببینم؛ در طلوع آفتاب، در لبخند کودک، در سکوت شب، کم‌کم کن نیت‌هایم را خالص کنم و اعمالم را تنها برای رضای تو انجام دهم. دل‌م را از ریا و خودنمایی پاک کن و مرا به صداقت درونی برسان. بگذار بندگی‌ام، آینه‌ای باشد از عشق و خلوص. همین!

**عبدالرحیم سعیدی‌راد**

است. همچنین مستند «فرشته‌های خوتین» درباره کودکان منیابی که تصویربرداری آن توسط مستندسازان غربی با ندرعبار انجام شده و آقای امینی کارگردانی و تدوین آن را برعهده داشته است. از دیگر نمونه‌ها مجموعه «از قلب ایران» به تهیه‌کنندگی وحید فرجی است که تاکنون حدود ۱۵ قسمت آن تولید شده و ۸ یا ۹ قسمت آن به پخش رسیده و توانسته جریان سازی کند. وی ادامه می‌دهد: جمع‌بندی این دیدگاه آن است که میان تولید مستندهای کوتاه و بلند تعارضی وجود ندارد. هر دو لازم‌اند، اما در شرایط جنگی مستندهای کوتاه سریع‌الانتشار که توان ارتباط مستقیم با مخاطب را دارند، اولویت پیدا می‌کنند؛ به‌ویژه اگر با ادبیاتی قابل‌فهم برای مخاطب جهانی ترجمه و عرضه شوند. او در پاسخ به پرسش دیگری توضیح می‌دهد: «از منظر محتوایی این آثار می‌توانند طیفی از موضوعات را پوشش دهند؛ از آگاهی‌بخشی و ثبت بحران ناشی از تجاوز دشمن تا بازنمایی نگاه حماسی مردم.» اسلام‌زاده تأکید می‌کند: «تحقق این هدف مستلزم نزدیک شدن به سوژه‌ها و کاراکترهای فرادانی است تا این روزها در متن جامعه و کف خیابان حضور دارند.»

فرقی نمی‌کند که ایرانی در تبریز باشد یا سمنان، در زنجان باشد یا اردبیل، در تهران باشد یا ورامین یا حتی روستای امین‌آباد شهری که مورد تجاوز نظامی واقع شد. در همه این مناطق، ایرانیان با ماندن در خانه‌های خود، در حال مقاومت هستند. با حضور در خانه‌های خود که به معنای حضور در محله، داوم زندگی در محله، صیانت از محله و خاطره‌هایش و صیانت از هم‌محلی‌ها و خانه‌های آنان است، مقاومت هستند.

تفاوت بزرگ تهران در دو تجاوز تابستان و زمستان اسال در همین است. تهران این روزها با وجود شدت گرفتن تجاوز شبانه دشمن به خانه‌ها، به محله‌ها و انبارهای نفت و دارو، باز هم اکثریت قابل‌توجهی از آنان در خانه‌های خود مانده‌اند. این ایستادگی، آن هم در مقابل دشمنی که تجاوز و جنگ را به درون خانه‌های نظامیان و غیرنظامیان آورده است، سبب شد تا یک حد حقیقت بزرگ عیان شود؛ آن حقیقت بزرگ این است که در تجاوز دشمن اسرائیلی آمریکا به ایران، ایران، خانه‌های مردم، خانه‌های من و شما به سنگر تبدیل شده‌اند، به سنگرمقاومت و ایستادگی.

مجروح شدند. ۱۹ اسفند، باز در اراک، دشمن اسرائیلی-آمریکایی یک خانه مسکونی دو طبقه را بمباران کرد که ۵ نفر شهید و یک نفر مجروح شدند و کل ساختمان هم تخریب شد. ۲۲ اسفند یک کارگاه شهرداری در تبریز بمباران شد که یک کارگر شهرداری به شهادت رسید. ۲۳ امروز، ۲ هزار واحد مسکونی در سنجند تخریب شد. همه این شواهد و اخبار از تجاوزات نظامی دشمن به مناطق مسکونی در شهرها و روستاهای کشور و شهدا و مجروحان ناشی از این تجاوزات، به این معنی است که دشمن جنگ را به درون خانه‌های ایرانیان آورده است. فرقی هم نمی‌کند که این ایرانی در تهران باشد، یا سنجند، یا بوشهر و تبریز و میروان و بوکان و همدان و اراک.

اما همین درخیمی دشمن و این که جنگ را حتی به خانه‌های نظامیان و غیرنظامیان آورده است، سبب شد تا یک حد حقیقت بزرگ عیان شود؛ آن حقیقت بزرگ این است که در تجاوز دشمن اسرائیلی آمریکا به ایران، ایران، خانه‌های مردم، خانه‌های من و شما به سنگر تبدیل شده‌اند، به سنگرمقاومت و ایستادگی.

کشورمان در خانه‌های خود به شهادت رسیدند. دیروز رسانه‌ها تصویری از یک محله در منطقه جوادیه تهران منتشر کردند که کل محله بر اثر تجاوز دشمن اسرائیلی-آمریکایی تخریب شده بود. منطقه جوادیه نه تنها یک منطقه غیرنظامی است، بلکه به دلیل تراکم بالای جمعیتی و فرسوده بودن بناف ساختمانی آن، مقابله با حملات نظامی آسیب‌پذیر است. این درحالی است که کویلوئند، رئیس جمعیت هلال‌احمر در بازدید از مناطق آسیب‌دیده محله بریانگ تهران، اعلام کرد «سلاح‌های مورد استفاده در حملات هوایی اخیر کاملاً غیرمترعارف است و همین باعث واردشدن آسیب‌های جدی به مناطق مسکونی شده است.» معنی این سخن آن است که دشمن نه تنها مناطق مسکونی را بمباران می‌کند، بلکه در این تجاوز از سلاح‌های نامتعارف با تخریب بالا استفاده می‌کند. اساساً در تجاوز ۱۲ روزه و تجاوز اخیر به کشور ما، حملات نظامی به مناطق غیرنظامی و مسکونی برای دشمن به یک رفتار عادی تبدیل شده است. ۲۲ اسفند در بمباران یک مجتمع مسکونی در الهیه اراک، یک خانم و یک نوجوان شهید و ۳۵ نفر

را در خطر قرار دهد. برای همین بود که دشمنان در این تجاوز نظامی، کلاتری‌ها، پاسگاه‌ها، خانه‌ها و بیمارستان‌ها را هدف گرفتند. وقتی باید به فروپاشی کشور باشد، باید ره‌نشان‌های از امنیت و مدنیت را نابود کرد و این کاری است که دو دشمن متجاوز تلاش کردند به آن برسند و البته به موفقیتی در این زمینه دست نیافتند.

اما داستان دو تجاوز نظامی به کشور ما سویه دیگری هم دارد. این سویه از این قرار است که دشمن اسرائیلی در جنگ اول و در جنگ دوم دشمن آمریکایی-اسرائیلی، هیچ محدودیتی برای دامنه نقاط درگیری قائل نبوده و نیستند. در تجاوز ۱۲روزه بر اثر تجاوز دشمن، فقط در تهران ۱۲ هزار و ۲۰۰ واحد مسکونی دچار آسیب کلی یا جزئی شد. در تجاوز آمریکایی-اسرائیلی به ایران، تا ۲۲ اسفندها، ۱۹ هزار و ۷۷۵ واحد مسکونی و ۴ هزار و ۵۱۱ واحد تجاری تخریب یا دچار آسیب جدی شدند. به اینها باید اضافه کرد فرماندهی شهروندان مردمی که در تجاوز ۱۲روزه در خانه‌های خود به شهادت رسیدند. به علاوه فرماندهان و مردمی که در تجاوز اخیر به

## تک تک شهرهای ایران بوی زندگی می‌دهند

دشمن اسرائیلی به ایران، در مرکز تهران و پایین‌تر از آن، مردم کم‌وبیش زندگی عادی خود را دنبال کردند. قاصه تهران در تجاوز نظامی دوم به ایران متفاوت است. این بار ایران نه با یک دشمن، بلکه با دو دشمن رو به روست؛ یکی رژیم صهیونیستی و دیگری ارتش متجاوز آمریکا. برای همین از ابتدای این تجاوز، احتمال خنطرو آسیب غیرنظامیان تهران از بمباران‌ها بیشتر از تجاوز ۱۲روزه پیش‌بینی می‌شد. اما عجیب این‌که این بار رفتار تهرانی‌ها و وضعیت این کلالشهر با تجاوز نظامی اول کاملاً متفاوت است. گوئی که در خرداد و تیرماه و سپس اسفندماه ۱۴۰۴، با دو شهر متفاوت و با دو رفتار متفاوت شهروندان رو به رو هستیم.

البته در یک هفته اول این جنگ تحصیلی، تهران خلوت شد که دو دلیل داشت: اول، اعلام یک هفته تعطیلی پس از شهادت رهبر انقلاب دوم، درخواست نهادهای مسئول از رفتن تهرانی‌ها نژده اقوام و خویشان یا شهر و روستای خودشان. دلیل این درخواست این بود که دشمنان هدف خود را فروپاشی کشور اعلام کردند و تحقق این مسأله ممکن بود جان مردم بی‌گناه